

این پدیده گاه به عنوان مکمل بخش رسمی و گاه در مقابل آن ظاهر می‌شود و در جوامع با سطح توسعه مختلف می‌تواند نقش‌های متفاوتی بازی کند..

این مقاله خلاصه‌ای است از تحقیق انجام گرفته پیرامون بخش غیررسمی در اقتصاد شهری که در مورد بخش کوچکی از آن یعنی مشاغل غیر رسمی غیر پنهان در یکی از گرگانه‌های تهران در سال ۱۳۷۹ به عنوان نمونه صورت گرفته است. نتایج بدست آمده از تحقیق نشان می‌دهد که موضوع از تنوع و گستردگی بسیار زیادی برخوردار است و اهمیت آن در اقتصاد شهری و حتی اقتصاد تا حدی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. بنابراین هرگونه برنامه ریزی در مورد سکونت‌گاه‌های شهری و مناطق مختلف سرزمین باید با شناخت کافی نسبت به بخش غیر رسمی و نقش و جایگاه آن صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی: شغل، اقتصاد رسمی، اقتصاد غیررسمی، بخش غیررسمی،
حاشیه‌گرایی

مقدمه:

هر چند جوامع شهری در کنار جوامع روستایی قدمتی به اندازه تاریخ دارند، ولی جامعه شهری به شکل کنونی و به ویژه مسئله رشد سریع شهرنشینی را باید به عنوان یکی از پدیده‌های قرن بیستم به شمار آورد. پدیده‌ای که نه تنها با خاتمه این قرن پایان نیافته است بلکه هر روز بطور فزاینده بر دامنه و شدت آن افزوده شده است. بسیاری از مسایلی که شهرهای کنونی با آن مواجه هستند، پیامدهای همین رشد سریع است. به طوریکه می‌توان رابطه‌ای مستقیم میان گسترش شهرنشینی، رشد شهر و مسائل و مشکلات گریبانگیر این جوامع برقرار کرد. در چنین فضایی از ناپایداری و تغییر و تحول سریع است که همیشه شهرها عقب‌تر از جریان مسایل و نیازهای جدیدی هستند که در آنها تعریف می‌شوند و همیشه سرعت رشد امکانات و تأمین نیازها کندتر از پیدایش نیازها و خواسته‌های جدید است. بر این مبنا

ویژگی‌ها، مسایل و مشکلاتی بروز می‌نمایند که به دلیل تداوم و پایداری، گویا بخشی از ذات و خصلت این جوامع هستند و به عنوان مشخصه‌های جوامع شهری شناخته می‌شوند. مسایلی همچون نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، بی‌هویتی اجتماعی و فرهنگی، عدم امنیت، فقر، فساد، بیکاری، اعتیاد، حاشیه‌نشینی و سایر آسیب‌های اجتماعی و مشکلات شهری همچون ترافیک، کمبود مسکن، اشتغال، آلودگی هوا و مشکلات زیست محیطی از جمله این ویژگی‌ها هستند.

بدیهی است جوامعی که در آنها شهرنشینی از سرعت بیشتر برخوردار بوده و در مسیر تحول خود فرصت ایجاد بستر مناسب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را نیافته‌اند با شدت بیشتری با این شرایط روبرو شوند. چنانکه مشکلات مورد اشاره به عنوان ویژگی‌های بارز شهرهای جهان سوم شهرت دارند. هر چند نمی‌توان منکر وجود این مشکلات در شهرهای جهان پیشرفته نیز شد، ولی رشد بطئی و تا حدودی منطقی و درون‌زای شهری در این جوامع باعث شده است که مسایل آنها نیز ساده‌تر و از شدت و پیچیدگی کمتری برخوردار باشند. از ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ جمعیت شهری در کشورهای در حال توسعه به ۱/۹۷ میلیارد نفر در مقایسه با ۴۳۰ میلیون نفر جمعیت شهری در کشورهای پیشرفته افزایش یافته است. نرخ رشد سالانه جمعیت شهری در دهه ۸۰ در کشورهای در حال توسعه ۳/۸ درصد و در کشورهای پیشرفته ۱ درصد بوده است. نرخ رشد شهرها در جهان سوم تقریباً دو برابر نرخ رشد کل جمعیت بوده است که ۶۰ درصد از این رشد نتیجه رشد طبیعی جمعیت شهری و ۴۰ درصد در اثر مهاجرت روستا - شهری بوده است. در دهه ۱۹۶۰ هفت شهر از ده شهر بزرگ جهان در کشورهای پیشرفته بوده‌اند و در رأس آنها نیویورک، توکیو و لندن قرار داشته‌اند. در حالی که اکنون با اینکه توکیو با ۲۵ میلیون نفر جمعیت در رأس شهرهای بزرگ جهان قرار دارد ولی هفت شهر از ده شهر بزرگ جهان در کشورهای توسعه نیافته قرار دارند. (Undp 1995:p.109)

این رشد سریع باعث بروز نوعی دوگانگی در سطح جوامع در حال توسعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده است. دوگانگی که در تمامی شئون این جوامع جاریست و در شهرها به تناسب رشد سریع تر آشکارترند. تحولات سریع شهری و عدم انطباق بین جریان

نیازها و امکانات، مسایل جدیدی را بوجود می‌آورد. به طوریکه مدیران شهری، جامعه شناسان، اقتصاددانان، جغرافی دانان و سایر صاحب نظران شهری هر روزه با موضوعات قابل بحث و مسایل جدیدی روبرو هستند.

طرح مسئله:

یکی از موضوعاتی که پیامد دوگانگی در جوامع شهری است موضوع بخش غیر رسمی در کنار بخش رسمی است. این مفهوم در دو دهه اخیر یکی از موضوع‌های عمده مورد توجه و بحث صاحب نظران مسایل شهری بوده است. توجه به بخش غیر رسمی از این نظر اهمیت دارد که نه تنها این مفهوم بازتاب دوگانگی در ساختار اشتغال و بخش اقتصادی است، بلکه بیانگر دوگانگی در زمینه‌های مختلف شهری و روستایی، منطقه‌ای، قومی، فرهنگی، جنسی، تحصیلی و اجتماعی است. بخش غیر رسمی گاه در مقابل بخش رسمی و گاه بعنوان مکمل آن ظاهر می‌شود. در جوامع مختلف با سطح توسعه و مسایل متفاوت می‌تواند نقش‌های متفاوتی ایفا نماید به طوریکه گاه به عنوان یک راه و گاه به عنوان یک مشکل می‌تواند مطرح باشد. به همین دلیل دیدگاه‌های متفاوتی در مورد آن وجود دارد که ناشی از گستردگی مفهومی آن است.

این موضوع می‌تواند با بحث در مورد افرادی که در این بخش قرار می‌گیرند یا در مورد فعالیت‌های این بخش دنبال شود. همچنین در مورد اندازه و مشخصات این پدیده‌ها از آن جهت که چه کسانی و در کجا به آن مشغول می‌شوند مورد توجه باشد. هر کدام از این زمینه‌ها مفاهیم و مباحث بسیار گسترده و بی‌پایانی را به دنبال دارند. به طور خلاصه نحوه نگرش به این موضوع را می‌توان در دو نظریه غیر رسمی‌گرایی^(۱) و حاشیه‌گرایی^(۲) دسته بندی کرد. نظریه غیر رسمی‌گرایی بیشتر به رشد این بخش در اقتصاد پیشرفته اشاره دارد در حالی که

1- Informalization

2- Marginalization

نظریه حاشیه‌گرایی تفسیری است برای بخش غیر رسمی در جوامع در حال توسعه که عمدتاً گروه‌های حاشیه‌ای همچون بیکاران، فقرا، اقلیت‌های قومی، مهاجرین و سایر گروه‌های مشابه را به خود جذب می‌نمایند. (Colin.C and others, 1997:p.2)

بنابراین با توجه به گستردگی این مفهوم و بدون توجه به دلایل و ریشه‌های شکل‌گیری بخش غیر رسمی، در این مقاله مشاغل غیر رسمی به عنوان یک پدیده بارز شهری مورد توجه قرار گرفته و سعی شده است تا از طریق توصیف دقیق شاغلین در این بخش بر اساس بررسی میدانی به شناخت ویژگی‌ها و مشخصات مشترک حاکم بر این گروه و نقش و جایگاه آن دست یابیم. توجه به این بخش و شناخت دقیق ویژگی‌ها و مکانیزم آن به دلایل زیر مهم است:

- مشاغل غیر رسمی بخشی از ساختار اشتغال شهری را تشکیل می‌دهند.
- مشاغل غیر رسمی به توزیع مجدد درآمد و تخفیف فقر و فشار بر قشر کم درآمد شهری کمک می‌نماید.

- مشاغل غیر رسمی محل جذب آسیب پذیرترین اقشار جامعه و محیطی مناسب برای شیوع آسیب‌های اجتماعی است.

بنابراین توجه به این پدیده، شناخت دقیق و ساماندهی آن در برنامه ریزی و هدایت شهری اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت.

مباحث نظری: تعریف بخش غیر رسمی، مفهوم و جایگاه آن؛

اصطلاح بخش غیر رسمی یک مفهوم مبهم است و ارایه تعریف دقیقی از آن کار دشواری است. در یک تعریف عمومی مشاغل غیر رسمی به طیف گسترده‌ای از مشاغل موقت یا زیرزمینی ایجاد شده در نواحی شهری کشورهای در حال توسعه اطلاق می‌شود. (Gilbert 1999:p.25) یا در تعریفی دیگر بخش غیر رسمی شامل افراد و واحدهای کوچک مقیاسی است که درگیر تولید و توزیع کالا و خدمات به شکل ابتدایی و به صورت خود اشتغالی هستند. از نظر امرار معاش به آن وابسته‌اند و از نظر سرمایه، هم سرمایه انسانی، تخصص و فن و هم سرمایه فیزیکی بسیار محدوداند. (Sethuraman 1989: p.17)

اصطلاح برای اولین بار در اوایل دهه ۱۹۷۰ بدنبال مهاجرت انبوه روستایی به شهرها و محدود شدن قدرت جذب نیروی کار در بخش صنعت در اقتصادهای در حال توسعه به کار گرفته شد. یعنی زمانی که تورم طبقات فقیر شهری، برنامه ریزان و محققان را به طور فزاینده‌ای به یافتن راهی برای بهبود مدیریت شهری و حل مشکلات ناشی از آن وادار ساخت. بر مبنای تحقیق انجام شده در این زمینه به وسیله دفتر بین المللی کار (ILO)^(۱)، کیث هارت^(۲) مردم شناس دریافت که طبقه کم درآمدی که قادر به پیدا کردن کار مزدوری در بخش صنایع یا بخش عمومی نیستند، طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها را برای کسب درآمد، تدبیر و طراحی می‌کنند. بدین لحاظ وی اصطلاحات اشتغال رسمی و غیر رسمی را به ترتیب به مشاغل حقوق بگیری و خود اشتغالی تعمیم می‌دهد. هر چند تمرکز او بیشتر بر اقتصاد غیر رسمی و فعالیت‌های قانونی و غیر قانونی یا مشروع و غیر مشروع در این زمینه بوده است. از نظر وی مشاغل غیر رسمی قانونی شامل فعالیت‌هایی است که در رشد اقتصادی هر چند اندک و در مسیر کوتاهی سهم هستند، همچون تجارت خرد، خدمات شخصی و تولیدات خانگی و مشاغل غیر رسمی غیر قانونی شامل اشتغالاتی است که اگر ضرورتاً جرم نباشند ارزش آنها در فرایند توسعه جای بحث بسیاری است. فعالیت‌هایی همچون فحشا، گدایی، جیب‌بری، و جمع‌آوری زباله در این گروه قرار می‌گیرند. (Hart 1978: P.66-70) بر مبنای تحقیقات انجام شده و با توجه به گستردگی موجود در این بخش که ارایه تعریف دقیقی از آن را مشکل می‌سازد، در نشست دفتر بین المللی کار و ویژگی‌هایی برای آن تعریف شده است که؛ ورود آسان، اندازه کوچک، مالکیت فردی یا خانوادگی، روش‌های تولید کاربر، سطح پایین مهارت، سرمایه و تکنولوژی و بازارهای رقابتی و نامنظم از جمله این ویژگی‌ها هستند. (ILO 1972:P.18) یکی دیگر از صاحب‌نظران، عمومی‌ترین تعریف از بخش غیررسمی را عبارت از فعالیت‌های بی‌قاعده یا درآمدزایی می‌داند که به وسیله فعالیت‌های مشابه قانونی و تعریف شده تعیین می‌شوند.

1- International Labour Office

2- Keith Hart

(Robert 1994:P.6) تعریف بخش غیر رسمی و ویژگی‌های آن یکی از زمینه‌های عمده مورد بحث در این رابطه در سالهای اخیر بوده است، که به موضوعات دیگری همچون نحوه پیوند بین بخش غیررسمی و رسمی در اقتصاد شهری، رفتار این بخش در دوره‌های مختلف رکود یا بازسازی اقتصادی و نقش آن به عنوان یک مکانیزم بقا برای شاغلین در آن در مقابل بخش خصوصی و عمومی نیز کشیده شده است. موضوع مهم دیگری که در ارتباط با تحقیق بخش غیر رسمی مورد توجه قرار گرفته است پیوند آن با نیروی کار اضافه شده در نتیجه مشارکت زنان به ویژه در دهه‌های اخیر در کشورهای در حال توسعه است. بالاخره این پرسش که آیا سیاست‌ها و برنامه‌ها باید در جهت تشویق و تقویت یا جلوگیری از رشد بخش غیر رسمی باشد؟ از مسائلی است که تحقیقات در این زمینه به دنبال یافتن پاسخی برای آن است. (Chant 1999: P.509) در هر صورت به دلیل ابهام در مفهوم بخش غیررسمی، در تعریف آن به بیان ویژگی‌های بارز این بخش در مقایسه با بخش رسمی می‌پردازند. (جدول شماره ۱)

جدول شماره (۱): ویژگی‌های مقایسه‌ای بارز بین مشاغل رسمی و غیررسمی

مشاغل رسمی	مشاغل غیر رسمی
بزرگ مقیاس اند.	کوچک مقیاس اند.
مدرن و جدید هستند.	سنتی هستند.
بیشتر مالکیت عمومی دارند.	مالکیت فردی یا خانوادگی است.
سرمایه بر هستند و به سرمایه‌انبوه نیاز دارند	کاربر هستند.
فعالیت آنها در جهت سودآوری است.	فعالیت‌های معیشتی هستند.
دارای تکنولوژی وارداتی هستند.	از تکنولوژی بومی استفاده می‌کنند.
از بازار حمایتی (برای مثال سهمیه تعرفه) برخوردارند.	دارای بازار غیر منظم و رقابتی هستند.
ورود به آنها مشکل است.	ورود به آن آسان است.

نیازمند مهارت‌های غیررسمی اند. (برای مثال مهارت‌هایی که در خانه یا از طریق شاگردی کسب می‌شود.)	نیاز به مهارت‌های رسمی (برای مثال تحصیلات رسمی) دارند.
اقلیتی از کارگران این بخش تحت حمایت قانون کار و یا تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار دارند.	اکثریت کارگران تحت حمایت قانون قرار دارند و بوسیله قانون کار یا پوشش تأمین اجتماعی حمایت می‌شوند.

منبع: Chant 1991 b:p.185

یکی از دلایل پیچیدگی مفهوم غیررسمی و ابهام در آن این است که مشاغل غیررسمی در مناطق مختلف و حتی در یک منطقه به نام‌های مختلفی شناخته می‌شود و واژه غیررسمی یا صفت‌های جایگزین با اسامی مختلفی همچون اقتصاد، بخش، فعالیت و کار بصورت ترکیبی اسامی متعددی را تشکیل می‌دهد که همه به نوعی برای نامیدن بخش غیررسمی بکار گرفته می‌شود. هر چند در تعریف دقیق، هر یک از این نام‌ها مفهوم خاصی را مطرح می‌سازد و اسامی متفاوت به معنای مفاهیم و برداشت‌های متفاوت از این موضوع است. (Colin 1998:p.2)

چنانکه برای مثال در اروپا و بیشتر از همه در انگلیس و هلند از واژه سیاه برای مشاغل غیررسمی استفاده می‌شود. در فرانسه بعد از واژه زیرزمینی و در آلمان بعد از واژه سایه و در ایتالیا بعد از واژه زیرآبی از اصطلاح غیررسمی استفاده می‌شود و کاربرد آن در درجه دوم قرار دارد. بر عکس در آمریکا بیشتر از واژه زیرزمینی، از جمله بخش یا اقتصاد زیرزمینی به عنوان صفت استاندارد برای این مشاغل و پس از آن از واژه پنهان بیشتر استفاده می‌شود.

البته هر کدام از این اسم‌ها ممکن است با جهت‌گیری خاص نسبت به این گروه از فعالیت‌ها مورد استفاده قرار گیرند. یا هدف از به کارگیری آنها ممکن است تأکید بر برخی از ویژگی‌های آن باشد. چنانکه اصطلاح اقتصاد سیاه یا مشاغل سیاه که به طور گسترده در کشورهای آمریکا و اروپا استفاده می‌شود، استعاره‌ای است برای این فعالیت‌ها که در مقابل اقتصاد رسمی و قانونی

بعنوان اقتصاد سفید بکار برده می‌شود. در واقع یک اصطلاح با جهت‌گیری سیاسی است که با توجه به فرصت‌های نابرابر بخش رسمی و غیررسمی به نادرست استفاده می‌شود. یا استفاده از واژه‌هایی همچون بی‌قاعده، نامنظم یا ناپایدار گرچه در مورد بسیاری از مشاغل غیررسمی مصداق دارد ولی برخی از این مشاغل منظم و پایدار هستند و تنها ویژگی‌های شغلی آنها غیررسمی است. یا صفت‌هایی همچون سایه، زیرزمینی، نامرئی، پنهان، مخفی، مبهم. عمدتاً به چگونگی وجود این فعالیت‌ها در لایه‌ها و شکاف‌های پنهان جامعه معاصر اشاره دارند. در حالی که بسیاری از این فعالیت‌ها در سطح اجتماع کاملاً مرئی و آشکار هستند و تنها از نظر برخی محدودیت‌های اداری و رسمی پنهان به شمار می‌آیند. بنابراین هیچکدام از این واژه‌ها و اسامی نمی‌توانند اصطلاح کامل و مناسبی برای این فعالیت‌ها باشند. به نظر می‌رسد تنها صفت فهمی که باقی می‌ماند واژه غیررسمی است که شناخته شده‌ترین صفت برای توصیف اشکال مختلف این بخش از فعالیت‌ها است. با توجه به اینکه روابط اجتماعی، اقتصادی و کاری حاکم بر این بخش از فعالیت‌ها از مهم‌ترین ویژگی‌های آن است اصطلاح غیررسمی به طور نسبتاً دقیقی می‌تواند آن را منعکس نماید. در عین حال این واژه اگر همراه با اسم‌هایی همچون اقتصاد، بخش، کار یا فعالیت بکار رود، هم شامل فعالیت‌های با مزد و هم فعالیت‌های بدون مزد می‌شود و نحوه دریافت مزد را نشان نمی‌دهد. بنابراین بهتر است که واژه غیررسمی همراه با مشاغل استفاده شود که این ارتباط را نیز به عنوان یکی از شاخصه‌های مهم مشاغل غیررسمی مشخص می‌نماید. ضمن اینکه استفاده از اسم اقتصاد، فعالیت، بخش و فعالیت همراه با صفت غیررسمی علاوه بر اینکه تفاوت کارهای مزدبگیر و غیر مزدبگیر را نشان نمی‌دهد، بیشتر تصویری از دوگانگی و تمایز در اقتصاد، فعالیت‌ها یا بخش‌ها را نشان می‌دهد و اقتصاد، بخش یا فعالیت‌های رسمی را در مقابل غیررسمی قرار می‌دهد. در حالی که اقتصاد غیررسمی یک بخش جدا از کل سیستم اقتصادی نیست، بلکه بر عکس اقتصاد یا بخش غیررسمی بخش یا جزئی از کل سیستم اقتصادی و اجتماعی است که با کار با مزد یا بدون مزد برای تأمین نیازهای اولیه مشخص می‌شود. (Gershuny: 1985: 9-50) بنابراین اصطلاح مشاغل غیررسمی مناسب‌ترین و دقیق‌ترین عنوان برای نامیدن این گروه از فعالیت‌ها با

ویژگی‌های مشخص همچون کاربرد بودن، کوچک مقیاس بودن، ورود آسان، مالکیت فردی و خانوادگی و... (جدول شماره ۱) می‌باشد.

در ارتباط با جایگاه مشاغل غیر رسمی و سهم آن در اشتغال کل جامعه داده‌های سری زمانی مربوط به مشاغل غیر رسمی به دلیل ماهیت این مشاغل از جمله نامنظم و بی قاعده بودن، مخفی بودن و... همچنین تعاریف و طبقه‌بندی‌های متفاوت انجام شده بوسیله سازمان‌ها و دولت‌ها که مقایسه بین المللی را دشوار می‌سازد باید حداکثر احتیاط به کار گرفته شود. با این وجود داده‌های مربوط به این بخش نشان می‌دهد که در بیشتر کشورهای جهان، بخش غیررسمی در دهه‌های اخیر افزایش یافته است. برای مثال در آمریکای لاتین بر مبنای برآوردهای انجام شده، سهم نیروی کار در فعالیت‌های غیررسمی از ۱۶/۹ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۱۹/۳ درصد در ۱۹۸۰ افزایش یافته است و از ۱۹۸۰ به این طرف افزایش سهم مشاغل غیر رسمی به ویژه در شهرها شتاب بیشتری گرفته است. به طوریکه نیروی کار غیر رسمی در نواحی شهری آمریکای لاتین از ۲۵/۶ درصد به ۳۰ درصد بین ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ افزایش پیدا کرده است. (Gilbert 1995: p.205-218) یا در دوره مشابه در کشورهای آفریقایی جنب صحرا ۶۰ درصد نیروی کار شهری در سال ۱۹۸۵ در بخش غیررسمی فعال بوده‌اند. در آسیا، در کشورهای همچون تایلند ۵۰ درصد نیروی کار شهری در مشاغل غیررسمی بوده‌اند و در کل در کشورهای در حال توسعه بین ۳۶ تا ۶۰ درصد نیروی کار و حتی ۲۰ تا ۴۰ درصد GDP^(۱) را سهم شاغلین غیررسمی برآورد می‌نمایند. (Colin and others 1998:p.115)

البته چنانکه پیشتر اشاره گردید وجود مشاغل غیررسمی تنها ویژه کشورهای در حال توسعه نیست و حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی نیز به عنوان یک پدیده مطرح است. بخصوص اینکه سهم آن در این اقتصادها نیز در حال افزایش است. بر اساس تحقیقات میدانی در شهر کبک در ۱۹۸۶ سهم غیررسمی از کل شاغلین ۸/۵ درصد بوده که در سال ۱۹۹۳ به ۹/۶ درصد رسیده است. این نسبت در سال ۱۹۹۳ در مونترال ۱۲/۱ درصد کل شاغلین را شامل

می شده است. (European Commision 1990:p.99) سهم برآورده شده مشاغل غیررسمی از تولید ناخالص داخلی (GDP) بر اساس روش‌های غیر مستقیم در گروهی از کشورهای صنعتی اروپایی درصد قابل توجهی بین متوسط ۳/۹ درصد تولید ناخالص داخلی در ایرلند تا متوسط ۲۹/۴ درصد تولید ناخالص داخلی در یونان را نشان می‌دهد. (Dallago 1991:p.100) در رابطه با علت گسترش مشاغل غیررسمی که تقریباً در تمامی کشورهای جهان با سرعت و نسبت‌های متفاوت وجود دارد. چنانکه پیشتر نیز اشاره گردید این پدیده در کشورهای پیشرفته بیشتر بر مبنای نظریه غیررسمی گرایی و در کشورهای در حال توسعه بر اساس نظریه حاشیه گرایی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. چنانکه در گروه اول می‌توان مهم‌ترین علل گسترش مشاغل غیررسمی را در موارد زیر قرار داد:

- ۱- محدود شدن اشتغال در بخش رسمی در نتیجه انگیزه‌های رقابتی.
 - ۲- ادغام و نابودی شرکت‌ها و مؤسسات کوچک در نتیجه رقابت،
 - ۳- حذف و اخراج نیروی شاغل اضافی و به حداقل رساندن آن توسط شرکت‌ها و مؤسسات به منظور کاهش هزینه‌ها و افزایش توان رقابت،
 - ۴- فرار از مالیات و تعرفه‌های سنگین در مشاغل عمومی و رسمی،
 - ۵- نرخ بالاتر دستمزدها و درآمد بالاتر مشاغل غیررسمی در مقایسه با مشاغل رسمی.
- در مورد گروه دوم یعنی کشورهای در حال توسعه مهم‌ترین علل گسترش مشاغل غیررسمی عبارتند از:

- ۱- گسترش شهرنشینی و مهاجرت سریع روستا شهری،
 - ۲- نرخ بالای رشد جمعیت،
 - ۳- گسترش فقر، نابرابری اقتصادی و اجتماعی و توزیع نابرابر منابع در این جوامع،
 - ۴- توان محدود بخش صنعت، کشاورزی و بخش رسمی در جذب نیروی انسانی،
 - ۵- افزایش نیروی کار و مشارکت زنان در ساختار اشتغال،
 - ۶- حجم بالای نیروی انسانی که فاقد هرگونه تخصص، سرمایه و تحصیلات می‌باشد.
- صرفنظر از دلایل پیدایش بخش غیررسمی این پدیده امروز به عنوان یک واقعیت، بخشی

از بدنه اقتصاد جوامع مختلف را تشکیل می‌دهد. اکنون اغلب صاحب نظران بخش غیر رسمی را جدای از کل سیستم اقتصاد و در مقابل بخش رسمی نمی‌دانند، بلکه پیدایش و توسعه این بخش را افزایش تنوع و گوناگونی سیستم اقتصادی به حساب می‌آورند که توان پایداری و دوام سیستم را افزایش می‌دهد. نتایج مطالعات موردی در ارتباط با مشاغل غیررسمی (Hart 1978, Gershuny 1985, Chant 1991, Colin 1998) نیز نشان می‌دهد که این بخش بیش از آنکه دام فقر و دریچه‌ای به سوی آن باشد بستری مناسب از پتانسیل‌های اقتصادی است. در عمل ثابت شده است که بخش غیررسمی در مواقع بحرانی که اقتصادها با مشکلات عمیق و پیچیده همچون فقر، بیکاری، کمبود اشتغال و درآمد نابرابری فرصت‌ها روبرو می‌شوند همچون یک عامل تخفیف دهنده و تسکین دهنده عمل می‌نماید و بخشی از فشار ناشی از بحران‌های بیکاری، کمبود اشتغال و درآمد را کاهش می‌دهد. به همین دلیل مشاغل غیررسمی به ویژه در جهان سوم را به عنوان تسکین دهنده فقر یا فقردرمانی تعریف کرده و با توجه به سهم قابل توجه شاغلین در این بخش نقش آن در ایجاد اشتغال یا درآمد، حداقل برای جمعیتی انبوه را مورد توجه قرار می‌دهند. بر این مبنا نگرش به این بخش نیز در حال تغییر است و از نگاه به آن به عنوان یک بخش زاید و غیرضروری یا نگرش آسیب شناسانه و جرم‌انگاران به نگاه به عنوان بخشی از پیکر واحد اقتصادی که نیاز به سازماندهی و هدایت دارد تغییر یافته است. از سوی دیگر ماهیت مشاغل غیررسمی و نوع شاغلین جذب شده به این بخش زمینه‌های آسیب‌زایی و آسیب‌پذیری اجتماعی را به شدت افزایش می‌دهد (صرامی ۱۳۷۲: ص ۸-۲۵) که از این نظر نیز توجه به آن ضروریست. در هر صورت مشاغل غیررسمی تصویری است از تلاش برای بقا و معیشت حجم عظیمی از جامعه شهری جهان سوم که به دلیل ماهیت و کارکرد اقتصادی این جوامع به حاشیه رانده شده‌اند. اساساً این پدیده پیامد به حاشیه رانده شدن بخش‌هایی از جامعه و اقتصاد همچون در حاشیه قرار گرفتن بخش روستایی و کشاورزی و اکثریت فقیر این جوامع است.

طرح پژوهش و روش تحقیق:

این مقاله بر اساس یافته‌های طرح پژوهشی که با هدف کلی شناخت ویژگی‌های بخش غیر رسمی و ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن در شهر تهران صورت گرفته تدوین شده است. با توجه به گستردگی موضوع و تعاریف متنوعی که در مورد آن وجود دارد در این تحقیق تنها طیف باریکی از بخش غیررسمی یعنی مشاغل غیر رسمی غیر پنهان یا مشاغل پیاده رویی مورد توجه قرار گرفته است. این تحقیق یک بررسی موردی است که به منظور نشان دادن برخی از ویژگی‌ها و پیامدهای این بخش صورت گرفته و می‌تواند سرآغازی بر انجام تحقیقات عمیق‌تر در این زمینه باشد. روش انجام تحقیق شامل بررسی‌های نظری در جهت تعریف مسئله و شناخت ابعاد آن و بررسی موردی بوده است. برای انجام این بررسی با توجه به محدودیت‌های تحقیق، پس از بررسی‌های اولیه محدوده پل سیدخندان که یکی از گره‌های شهر تهران به شمار می‌رود به عنوان محدوده میدانی تحقیق انتخاب شده است. این مکان با توجه به موقعیت و مسیرهای دسترسی به آن تقریباً اغلب ویژگی‌های تمامی میادین و گره‌های سطح شهر را به نمایش می‌گذارد و می‌تواند مورد مناسبی باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات میدانی در این محدوده، در کنار بازدید و مصاحبه با شاغلین مذکور از روش تکمیل پرسشنامه استفاده شده است. افراد پرسش شونده از بین شاغلین غیر رسمی غیر پنهان بصورت تصادفی انتخاب شده‌اند. ولی با توجه به تنوع مشاغل در انتخاب افراد مورد پرسش سعی شده است تا گوناگونی مشاغل نیز دیده شود. بنابراین اطلاعات میدانی از طریق تکمیل ۵۱ مورد پرسشنامه در محدوده میدانی مذکور بدست آمده است. هدف اصلی این تحقیق شناخت ویژگی‌ها و توصیف دقیق وضع موجود این گروه از شاغلین بوده است. در عین حال پیش فرض‌هایی نیز برای ما مطرح بوده‌اند که این تحقیق سعی در پاسخ به آنها داشته است. این پیش فرض‌ها عبارتند از:

- ۱- ارتباط مستقیمی میان پدیده مهاجرت به شهرها و مشاغل غیررسمی وجود دارد.
- ۲- اغلب افراد شاغل در این بخش دارای بیش از یک شغل هستند.
- ۳- شاغلین در این بخش از نظر نوع شغل نسبتاً پایدار و از نظر نوع فعالیت ناپایدارند.

۴- هیچگونه سازمان یا مکانیزم خاصی بر این گروه از مشاغل حاکم نیست ولی نوعی محلی‌گرایی در برخی از این فعالیت‌ها دیده می‌شود.

نتایج بررسی میدانی مشاغل غیررسمی در محدوده مذکور:

نتایج این بررسی مبتنی بر مطالعه موردی بخشی از مشاغل غیررسمی بر اساس انتخاب تصادفی نمونه‌ای از افراد شاغل در این بخش در محدوده یکی از گرّه‌های شهر تهران یعنی پل سید خندان است. هر چند نمونه مورد مطالعه از نظر وسعت و حجم بسیار محدود و از نظر طیف مشاغل غیررسمی تنها بخش کوچکی از این طیف یعنی مشاغل غیررسمی غیرپنهان پیاده رویی و عمدتاً دستفروشی را در بر می‌گیرد ولی بدلیل ماهیت و کارکرد یکسان این بخش و شناور بودن آن به نظر می‌رسد که ویژگی‌ها و نتایج بدست آمده از این محدوده تا حدودی قابل تعمیم به سطح کل شهر تهران نیز باشد.

۱- مشخصات عمومی شاغلین مورد بررسی:

وضعیت سنی، جنسی، تأهل و سواد از جمله ویژگی‌های عمومی بوده است که در بررسی شاغلین مذکور مورد توجه قرار گرفته‌اند. بررسی ترکیب سنی و جنسی در ارتباط با مشاغل غیررسمی به ویژه مشاغل غیر پنهان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به ماهیت این بخش یعنی گستردگی و تنوع آن، وضعیت سنی و جنسی شاغلین در این بخش نیز ترکیب بخصوصی را نشان می‌دهد. از نظر سنی طیف شاغلین غیررسمی در مقایسه با بخش رسمی بسیار گسترده‌تر است و از نظر جنسی نیز در مقایسه با بخش رسمی و هم در مقایسه درونی این بخش یعنی در سطح فعالیت‌ها و مشاغل مختلف غیررسمی ترکیب متفاوتی را نشان می‌دهد. در شاغلین مورد بررسی از کل افراد نمونه ۸۴ درصد مرد و ۱۶ درصد زن بوده‌اند که نسبت پایین زنان بدلیل نوع مشاغل مورد بررسی و حجم نمونه است و به هیچ وجه بیانگر سهم واقعی زنان در مشاغل غیررسمی نیست. چراکه بر مبنای تعریف مشاغل غیررسمی و ویژگی‌های آن، بسیاری از فعالیت‌های زنان از جمله خانه‌داری، قالیبافی، صنایع دستی و... در

این گروه قرار می‌گیرند. چنانکه یکی از دلایل نسبت پایین شاغلین زن در آمارهای رسمی نیز همین مسئله است که فعالیت‌های آنان جزء مشاغل رسمی و تعریف شده قرار نمی‌گیرد. از سوی دیگر مشاغل غیررسمی برای زنان جاذبه بیشتری دارند، از جمله به مسایلی همچون پاره وقت بودن این مشاغل یا پرداخت مزد کمتر به زنان در این ارتباط می‌توان اشاره کرد. چنانکه افزایش نیروی کار زنان متقاضی شغل به عنوان یکی از دلایل گسترش مشاغل غیررسمی ذکر می‌شود. بررسی جنسیت یکی از موضوعات اصلی در مباحث مربوط به بخش غیررسمی است که به طور گسترده مورد بررسی قرار می‌گیرد و از حوصله این مقاله خارج است. از نظر ترکیب سنی نیز مشاغل غیررسمی طیف گسترده‌تری را در مقایسه با مشاغل رسمی نشان می‌دهد که به ماهیت این مشاغل بر می‌گردد. چنانکه استفاده از نیروی کار کودکان در سطح جهان که عمدتاً در بخش غیررسمی بکار گرفته می‌شوند یکی از مسایل مورد بحث در این ارتباط است. در شاغلین مورد بررسی حداقل سن ۸ سال و حداکثر آن ۸۲ سال و متوسط سنی افراد نمونه ۳۱ سال بوده است که در بین زنان و مردان تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد. جدول شماره (۲) وضعیت سن شاغلین مورد بررسی به تفکیک جنس را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۲) ویژگی‌های سنی شاغلین مورد بررسی به تفکیک جنس

عنوان	متوسط سن	حداقل سن	حداکثر سن	درصد زیر ۱۵ سال	درصد ۱۵-۲۵ سال	درصد ۲۵-۶۵ سال	درصد بالاتر از ۶۵ سال
کل	۳۱	۸	۸۲	۱۸	۲۹	۴۷	۶
مرد	۳۰	۱۲	۸۲	۱۶	۳۲	۴۶	۵
زن	۴۱	۸	۷۰	۲۵	۱۲/۵	۵۰	۱۲/۵

چنانکه ملاحظه می‌گردد شاغلین در این بخش از نظر سنی طیف گسترده‌ای را نشان می‌دهند ضمن اینکه به لحاظ سهم گروه‌های مختلف سنی بین زنان و مردان تفاوت‌های معنی

داری مشاهده می‌گردد. چنانکه شاغلین زیر ۱۵ سال در بین مردان ۱۶ درصد و در بین زنان ۲۵ درصد را شامل می‌شود.

از نظر وضعیت سواد در شاغلین مورد بررسی نیز با توجه به ماهیت این بخش از مشاغل تنوع گسترده‌تری مشاهده می‌شود. چنانکه از کل شاغلین مورد نظر ۲۶ درصد بی سواد و ۷۴ درصد باسواد بوده‌اند که از این ۷۴ درصد، حدود ۲۴ درصد در حد خواندن و نوشتن یا تحصیلات ابتدایی، ۲۶ درصد در سطح راهنمایی و ۱۶ درصد تحصیلاتی در سطح متوسطه و دیپلم داشته‌اند. حدود ۸ درصد نیز دارای تحصیلات عالی فوق دیپلم و لیسانس بوده‌اند. چنانکه ملاحظه می‌گردد به لحاظ سواد و تحصیلات هر چند سطوح مختلف تحصیلی در بین این شاغلین مشاهده می‌گردد، ولی با توجه به ماهیت این مشاغل که بیشتر افراد فاقد مهارت و تخصص خاص را جذب می‌نماید، اکثریت با افراد بی سواد یا با تحصیلات ابتدایی است که با احتساب افرادی که تنها خواندن و نوشتن می‌دانند حدود یک سوم نمونه مورد بررسی بی سواد و حدود ۵۰ درصد نیز تحصیلات پایین‌تر از سطح متوسطه داشته‌اند و تنها حدود ۲۰ درصد دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر بوده‌اند. بنابراین از نظر سواد پیکره اصلی شاغلین غیررسمی را افراد بی سواد یا با سطح سواد پایین تشکیل داده ولی سطوح بالای تحصیلی نیز در این بخش مشاهده می‌شود که بسته به نوع فعالیت‌های غیر رسمی متفاوت است.

از نظر تأهل نیز ۵۹ درصد شاغلین مورد بررسی متأهل و به طور متوسط دارای ۳ فرزند بوده‌اند که نشان می‌دهد خانوارهای زیادی از نظر معیشت و گذران زندگی به این مشاغل وابسته‌اند.

۲- ویژگی‌های شغلی شاغلین مورد بررسی:

با وجود کوچک بودن محدوده مطالعه و اینکه این بررسی تنها بخش بسیار محدودی از طیف گسترده مشاغل غیررسمی یعنی مشاغل پیاده رویی را دربر می‌گیرد، تنوع مشاغل شناسایی شده قابل توجه است. به طوریکه بیش از ۳۰ مورد انواع مشاغل غیررسمی و عمدتاً شامل انواع دست فروشی در این محدوده کوچک مشاهده شده است. به منظور فراهم ساختن

امکان تحلیل مشاغل مذکور، این فعالیت‌ها بر اساس نوع و مشابهت‌ها در گروه‌های کلی‌تر دسته‌بندی شده‌اند که شامل جدول شماره (۳) بوده است.

با اینکه مشاغل شناسایی شده تنوع زیادی دارد و سعی شده است تا در محدوده مورد بررسی تمامی مشاغل غیررسمی غیرپنهان شناسایی شوند. ولی نمی‌توان مدعی این شد که تمامی این گروه از مشاغل شناسایی شده‌اند. بلکه با اطمینان می‌توان گفت که مشاغل مذکور به تمامی میدان‌ها و مراکز سطح شهر به جز مکان‌هایی که فعالیت‌های تخصصی‌تری را ارائه می‌دهند قابل تعمیم است.

جدول شماره (۳) گروه‌های شغلی عمده

۱- انواع دستفروشی	۴۵ درصد
۲- کوپن فروشی	۸ درصد
۳- امور تبلیغاتی	۶ درصد
۴- کفاشی	۶ درصد
۵- امور ساختمانی و بنایی	۴ درصد
۶- مسافرکشی	۷ درصد
۷- تعمیر ساعت	۲ درصد
۸- لحاف دوزی	۲ درصد
۹- فالگیری	۴ درصد
۱۰- گدایی	۸ درصد
۱۱- جمع‌آوری پلاستیک و وسایل اسقاطی	۸ درصد

حدود ۲۷ درصد از شاغلین مورد بررسی دارای شغل دومی نیز بوده‌اند. از نظر سابقه اشتغال به فعالیت مشاهده شده در کل نمونه بطور متوسط سابقه اشتغال ۴ سال بوده است که با وجود ناپایداری شغلی در درون طیف مشاغل غیررسمی و تغییر سریع نوع فعالیت بر حسب

شرایط، روز، ماه و فصل، از نظر نوع فعالیت غیررسمی، پایداری و تداوم در این بخش را نشان می‌دهد. (جدول شماره ۴)

جدول شماره (۴) سابقه اشتغال شاغلین غیررسمی مورد بررسی

بیش از ۱۰	۵-۱۰	۳-۵	۱-۳	۱-۰،۵	کمتر از ۰-۵	سابقه اشتغال (سال)
۱۲	۴	۸	۳۱	۱۴	۳۱	درصد شاغلین

چنانکه نسبت‌های فوق نشان می‌دهد حدود یک چهارم شاغلین بیش از ۳ سال در این فعالیت سابقه داشته‌اند و بیش از نیمی از آنها دارای سابقه بالاتر از یک سال در این شغل بوده‌اند. می‌توان نتیجه گرفت که بخش عمده‌ای از شاغلین در این بخش آثرا به عنوان یک شغل دایمی و یک نوع معیشت دائم انتخاب کرده‌اند. مدت اشتغال به این شغل در طول سال می‌تواند جایگاه این شغل را به عنوان یک شغل اصلی یا مکمل آن در معیشت خانوار و درجه پایداری و تداوم آن را نشان می‌دهد. از نظر مدت اشتغال در طول سال ۶۷ درصد شاغلین مورد بررسی بیش از ۷ ماه از سال، ۸ درصد بین ۴ تا ۶ ماه و ۴ درصد کمتر از ۴ ماه به این فعالیت مشغول بوده‌اند. ۱ درصد نیز به این پرسش پاسخ نداده‌اند. بر این اساس می‌توان گفت که برای بیش از ۶۷ درصد شاغلین، شغل مشاهده شده شغل اصلی آنها بوده است. به عبارت دیگر با افزایش سابقه شغلی این گروه از مشاغل که ابتدا به عنوان شغل موقتی یا فصلی افراد به شمار می‌آید به مرور به شغل اصلی آنان تبدیل می‌شود.

یکی از ویژگی‌های مهم در هر شغل میزان درآمدزایی آن است که تعیین کننده میزان جاذبه، ثبات و تداوم آن به حساب می‌آید. در مشاغل غیررسمی علاوه بر شرایط آسان ورود به آن، درآمدزایی مناسب آنها در مقایسه با مشاغل رسمی و هزینه کم آنها یکی از عوامل پیدایش و گسترش این بخش به شمار می‌آید. متوسط درآمد ماهیانه شاغلین مورد بررسی ۹۱۸،۳۷۰

ریال به دست آمده است که در مقایسه با مشاغل بخش رسمی قابل توجه است. دامنه تغییرات متوسط درآمد ماهیانه این مشاغل بین حداقل ۳۰۰,۰۰۰ ریال تا حداکثر ۲,۵۰۰,۰۰۰ ریال در نوسان بوده است. با توجه به اهمیت میزان درآمد در بین شاغلین غیررسمی مورد بررسی و نوسانات زیاد آن، این افراد بر مبنای میزان درآمد ماهیانه گروه بندی شده‌اند. (جدول شماره ۵)

جدول شماره (۵) گروه بندی درآمدی شاغلین غیررسمی مورد بررسی

بدون	بیش از	تا ۱۰۰۰	تا ۵۰۰	تا ۳۰۰	۳۰۰ ریال	طبقه بندی درآمد
پاسخ	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۰۰۰	۵۰۰	و کمتر	ماهیانه (هزار ریال)
۴	۱۲	۲۰	۳۱	۵۵	۱۷۵	درصد شاغلین از کل
					۹۱۸.۳۷۰	متوسط درآمد ماهیانه

چنانکه نسبت گروه‌های درآمدی نشان می‌دهد شاغلین با درآمد ۵۰ هزار تا ۱۰۰ هزار تومان بیشترین سهم را داشته‌اند و حدود یک سوم شاغلین نیز درآمدی بیش از ۱۰۰ هزار تومان داشته‌اند. به نظر می‌رسد که از نظر میزان درآمد، مشاغل مورد بررسی در مقایسه با مشاغل رسمی از وضعیت مناسب‌تری برخوردار بوده‌اند. با در نظر گرفتن این مسئله که معمولاً افراد به ویژه در این گروه از مشاغل گرایش به پایین تر اعلام کردن درآمد خود از میزان واقعی دارند و اینکه معمولاً این مشاغل به سرمایه‌گذاری چندانی نیاز ندارند و هزینه زیادی را متوجه شاغل نمی‌نمایند. وضعیت نسبتاً مطلوب درآمدزایی و جاذبه این نوع مشاغل که البته در اینجا ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین آنها مورد توجه بوده‌اند مشخص می‌گردد.

بر مبنای میزان درآمد این مشاغل، شاغلین در این بخش از دو جنبه در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند. تقریباً یک سوم این شاغلین درآمد ماهیانه کمتر از ۵۰ هزار تومان داشته‌اند که با در نظر گرفتن اینکه این افراد از هرگونه تأمین اجتماعی محروم هستند این میزان درآمد برای تأمین معاش ناچیز است. از سوی دیگر درآمدزا بودن برخی از مشاغل غیررسمی و تلاش

شاغلین برای فاصله گرفتن از وضعیت نابسامان و ناپایداری که در آن گرفتارند آنها را به سوی دست زدن به فعالیت‌های با درآمد بیشتر می‌کشاند که معمولاً فعالیت‌های با درجه مشروعیت پایین‌تر و آسیب‌زایی بیشتر هستند. در پاسخ به این سؤال که آیا با درآمد حاصل از این شغل تأمین می‌شوید یا خیر ۴۳ درصد پاسخ مثبت و ۵۱ درصد پاسخ منفی داده‌اند و ۶ درصد نیز تا حدودی با این درآمد تأمین می‌شده‌اند. در مورد منابع و روش‌های تأمین کسری درآمد از مجموع افرادی که اعلام کرده‌اند درآمد حاصله برای تأمین معاش آنها ناکافی است تنها ۸ درصد از طریق فعالیت دوم یعنی کشاورزی کمبود درآمد خود را جبران می‌کرده‌اند و ۴۲ درصد با این کمبود می‌ساخته‌اند و به عبارت دیگر کسری درآمد آنها در حدی بوده است که می‌توانستند با آن بسازند. تنها نیمی از افرادی که کمبود درآمد داشته‌اند برای تأمین معاش از منابع مختلف کمک دریافت کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که درآمد حاصل از این مشاغل در حدی بوده است که درآمد نسبتاً مناسبی برای شاغلین به آن فراهم نماید. چنانکه به لحاظ متوسط درآمد حاصل از این قبیل فعالیت‌ها نیز رقم بدست آمده در مقایسه با فعالیت‌های رسمی قابل توجه و مناسب‌تر است. نتیجه اینکه به مشاغل غیررسمی و حتی ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین اشکال آن که تقریباً مشاغل مورد بررسی از این دسته بوده‌اند، نباید به عنوان فعالیت‌های زاید و مزاحم نگریسته شود. بلکه بر عکس در زمانی که کمبود شغل به صورت یک بحران در جامعه مطرح است به عنوان فرصت‌های شغلی مناسب و به عنوان تعدیل‌کننده فعالیت‌های رسمی مشابه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد و انحصار و تمرکز بعضی از فعالیت‌ها را در مشاغل رسمی کاهش دهد.

بررسی دلیل انتخاب مشاغل غیررسمی:

انگیزه انتخاب شغل و دلیل انجام یک فعالیت، عاملی مهم در پایداری و تداوم یا برعکس ناپایداری آن است. ضمن آنکه درجه پایداری و ثبات شغلی نقش مهمی در میزان کارایی فرد شاغل و به دنبال آن بهبود وضع درآمدی او دارد. در مشاغل غیر رسمی علیرغم درآمدزایی نسبتاً مناسب، درجه ثبات و پایداری بسیار پایین است و شاغلین غیررسمی با وجود درآمد

مناسب به شغل خود بیشتر به عنوان یک فعالیت کوتاه مدت نگاه می‌کند. این عدم اطمینان در مشاغل غیررسمی زمینه ساز آسیب‌های اجتماعی قابل توجهی می‌شود. گریز از شرایط نامطمئن، زمینه ساز گرایش به مشاغل غیررسمی با درآمدهای کلان و ناگهانی یا مشاغل غیررسمی پنهان که اغلب برای جامعه زیان آورند می‌شود. ضمن اینکه خود این شاغلین و بویژه خانواده‌های آنها نیز در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌گیرند. بررسی دلایل انتخاب شغل می‌تواند این موضوع و زمینه‌های آسیب پذیری و آسیب‌شناسی اجتماعی را بیشتر توضیح دهد. (جدول شماره ۶)

جدول شماره (۶): دلایل انتخاب شغل

دلیل انتخاب شغل	بیکاری	نداشتن سرمایه	نداشتن سواد و تحصیل کافی	نداشتن تخصص	علاقه به این شغل	سایر موارد
درصد از کل	۳۵	۱۴	۸	۸	۱۱	۲۴

دلایل اعلام شده در مورد انتخاب مشاغل غیررسمی در وهله اول بیانگر ماهیت این بخش از فعالیت‌ها است و نشان می‌دهد که این بخش مکمل فعالیت‌های رسمی است و می‌تواند در بخشی از مشکلات جامعه همچون بیکاری، کمبود سرمایه یا جذب نیروی کار غیر ماهر نقش موثری ایفا نماید. چنانکه ملاحظه می‌گردد بیکاری و نداشتن سرمایه مهم‌ترین عامل روی آوردن به مشاغل غیررسمی بوده است. ضمن اینکه سایر موارد نیز بیشتر به بدهی، از دست دادن سرمایه، گذران زندگی و درآمد ناکافی مربوط بوده است که در موارد قبلی جای می‌گیرد. بنابراین در حدود ۷۵ درصد علت اولیه روی آوردن به مشاغل غیررسمی بیکاری و نداشتن سرمایه کافی بوده است.

دلایل و انگیزه‌های ذکر شده در روی آوردن به مشاغل غیررسمی نشان می‌دهد که در ابتدا

اغلب افراد به ناگزیر و به عنوان آخرین گزینه این شغل را انتخاب کرده‌اند و با وجود درآمد نسبتاً مناسب این مشاغل به دلیل جایگاه و منزلت اجتماعی پایین آن اکثر شاغلین به دنبال فرصت مناسب جهت تغییر شغل یا فعالیت یا عبور از وضعیتی هستند که در آن قرار دارند. بنابراین مشاغل غیررسمی به شدت ناپایدار و همراه با عدم اطمینان و امنیت شغلی هستند و این وضعیت اجتماعی، اقتصادی و روانی، شاغلین در این بخش را به شدت آسیب‌پذیر می‌سازد. میزان رضایت از شغل تأثیر وضعیت شغلی را بر دلایل اولیه در این بخش مشخص می‌نماید و می‌تواند نشان دهنده تغییر انگیزه‌ها و دلایل یا تشدید کننده آن باشد. به نظر می‌رسد که نقش مثبت مشاغل غیررسمی برای شاغلی که اولاً شغل وی به حساب می‌آید و مشکل بیکاری او را حل کرده است، آن هم با هزینه و سرمایه‌گذاری اندک و ثانیاً منبع درآمد و گذران زندگی او به حساب می‌آید می‌تواند از طریق سنجش میزان رضایت از کار مشخص شود. در پاسخ به این سؤال که آیا از کارتان راضی هستید یا خیر حدود ۵۶ درصد پاسخ مثبت و ۴۴ درصد پاسخ منفی داده‌اند که در مجموع نسبت افرادی که از شغل خود رضایت داشته‌اند بیش از افراد ناراضی بوده است. با توجه به دلایل اولیه گرایش به مشاغل غیررسمی که بیشتر افراد به ناگزیر به آن روی می‌آورند این میزان رضایت نتیجه تأثیر مثبت شغل بر فرد شاغل است. البته درجه رضایت شغلی می‌تواند درجات مختلفی داشته باشد که در تعیین میزان پایداری شغل مؤثر است. (جدول شماره ۷)

جدول شماره (۷): رضایت و عدم رضایت از شغل

درجه رضایت از شغل				رضایت از شغل		
خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	خیر	بلی
۳	۴	۴۱	۲۸	۲۴	۴۴	۵۶

چنانکه نسبت‌های فوق نشان می‌دهد حتی اگر کسانی که به میزان کم یا خیلی کم از شغل خود راضی بوده‌اند را جزء افراد ناراضی بحساب بیاوریم بازهم ۵۲ درصد از شاغلین مورد

بررسی از شغل خود رضایت داشته‌اند. با توجه به اینکه رضامندی یا عدم رضامندی از کار می‌تواند با عوامل مختلفی ارتباط داشته باشد، به این نکته باید توجه داشته باشیم که این مشاغل حداقل برای نیمی از شاغلین به آن می‌تواند اشتغال پایدار و دایمی ایجاد نماید که این مسئله نقش مشاغل غیررسمی در کاهش بیکاری و افزایش اشتغال و کاهش آسیب‌پذیری جامعه را نشان می‌دهد. در مورد شاغلینی که از شغل خود ابراز عدم رضایت کرده‌اند، شغل مورد علاقه سؤال شده است تا از طریق آن هم دلیل عدم رضایت و هم جایگاه مشاغل غیررسمی و نگرش فرد شاغل به آن مشخص شود. (جدول شماره ۸)

جدول شماره (۸): گروه‌های شغلی مورد علاقه

نوع شغل مورد علاقه	کشاورزی	فنی، صنعتی و تولیدی	خدمات	خدمات دولتی و اداری	کامپیوتر	راه و ساختمان
درصد از کل	۱۰	۲۴	۳۲	۲۲	۴	۸

در این رابطه افراد به مشاغل مختلفی اشاره کرده‌اند که در گروه‌های عمده شغلی چنانکه در جدول (۸) آمده است دسته بندی شده‌اند. حدود ۳۲ درصد یا نزدیک به یک سوم افراد به اشتغال در فعالیت‌های خدماتی همچون کار در بازار، کفاشی، خیاطی و... ابراز تمایل کرده‌اند. اگر این گروه از فعالیت‌ها را با شغل کنونی افراد هم گروه و هم سنخ در نظر بگیریم، عدم رضایت حدود یک سوم افراد شاغل غیررسمی نه به دلیل نوع فعالیت، بلکه به علت عدم ثبات و ناپایداری آن است. در سایر موارد جز در مورد نسبت کوچکی از افراد که مایل به فعالیت در امور تولیدی هستند، جایگاه اجتماعی، عدم ثبات و امنیت شغلی عامل نارضایتی است.

میزان سرمایه گذاری در مشاغل غیررسمی:

یکی از ویژگی‌های مشاغل غیررسمی نیاز به سرمایه گذاری پایین یا حداقل سرمایه است. چنانکه یکی از دلایل ورود آسان به این بخش عدم نیاز به سرمایه یا نیاز به سرمایه اندک

می‌باشد. در عین حال سرمایه در ارتباط با مشاغل غیررسمی نقشی دوگانه ایفا می‌کند. نیاز به سرمایه گذاری پایین باعث روی آوردن حجم زیادی از افراد فاقد سرمایه به آن می‌شود. در حالی که اغلب شاغلین در این بخش با به دست آوردن سرمایه مناسب، شغل خود را تغییر می‌دهند و افزایش سرمایه نقش ایجادکننده دافعه برای شاغلین این بخش نسبت به شغل خود را دارد یا حداقل با کسب سرمایه به سمت فعالیت‌های غیررسمی معتبرتر و با منزلت اجتماعی بیشتر کشیده می‌شوند.

در پاسخ به این پرسش که آیا فعالیت در این شغل نیاز به سرمایه دارد یا خیر، ۴۵ درصد افراد به آن پاسخ مثبت و ۳۵ درصد پاسخ منفی و ۲۰ درصد به آن پاسخ نداده‌اند. متوسط میزان سرمایه هزینه شده برای هر شغل غیررسمی ۲/۴۱۶/۴۷۰ ریال بوده است که در سطح نمونه تغییرات زیادی نشان می‌دهد. (جدول شماره ۹)

میزان سرمایه به کار گرفته شده توسط شاغلین در این بخش از کمتر از ۱۰۰ هزار ریال تا بیش از ۱۰ میلیون ریال متغیر است. نزدیک به نیمی از شاغلین مورد بررسی با سرمایه ۵۰۰ هزار ریال یا کمتر فعالیت خود را در این بخش آغاز کرده‌اند. با توجه به متوسط سرمایه مورد نیاز جهت فعالیت در این بخش یعنی ۲/۴۱۶/۴۷۰ ریال و متوسط درآمد ماهیانه این مشاغل که حدود ۹۲۰/۰۰۰ ریال بوده است و در مقایسه با مشاغل رسمی می‌توان نتیجه گرفت که این فعالیت‌ها از بازده سرمایه بسیار بالایی برخوردارند.

جدول شماره (۹): میزان نیاز به سرمایه و سرمایه هزینه شده

سرمایه هزینه شده برای شغل (هزار ریال)								آیا این شغل به سرمایه گذاری خاصی نیاز دارد؟		
متوسط سرمایه هزینه شده به ریال								بله	خیر	بدون پاسخ
کمتر از	۲۰۰	۵۰۰	۱۰۰۰	۲۵۰۰	۱۰۰۰۰	بیشتر از	۲۴۱۶۴۷۰	۴۵	۳۵	۲۰
۱۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۵۰۰	۱۰۰۰	۲۵۰۰	۱۰۰۰۰۰	۱۱	۱۱	۱۱	۱۴

بررسی رابطه بین میزان سرمایه و درآمد در شاغلین مذکور نشان می‌دهد که بین میزان سرمایه گذاری و درآمد در این گروه از مشاغل رابطه مستقیمی وجود دارد و مشاغل با سرمایه گذاری بیشتر پایدارترند. بنابراین با توجه به نیاز به سرمایه کم و بازده بالای سرمایه در این بخش، این مشاغل می‌تواند نقش عمده‌ای در بهبود وضعیت اشتغال جامعه و اشتغال‌زایی بر عهده گیرد.

مهاجرت و مشاغل غیررسمی:

مشاغل غیررسمی با پدیده مهاجرت به شهرهای بزرگ و رشد سریع شهری ارتباط مستقیمی دارد. جریان عظیم مهاجرت به سوی شهرهای بزرگ به طور گریز ناپذیر بخش بزرگی از مهاجرین را به سمت مشاغل غیررسمی سوق می‌دهد. در نمونه مورد بررسی ۸۰ درصد شاغلین غیررسمی را مهاجرین تشکیل می‌داده‌اند که بیانگر ارتباط قوی بین مهاجرت و مشاغل غیررسمی است. از نظر مبدأ مهاجرت در بین شاغلین مورد بررسی تقریباً از تمامی نقاط کشور به چشم می‌خورند. نکته جالب توجه این است که حدود ۲۱ درصد این شاغلین را اتباع بیگانه و بیشتر افغانی‌ها تشکیل می‌دهند. (جدول شماره ۱۰)

جدول شماره (۱۰): مبدأ شاغلین غیررسمی مهاجر

مبدأ شاغلین	شمال شرق	شمال غرب	منطقه مرکزی	شمال	جنوب	خارج از کشور
درصد از کل	۱۷	۱۵	۲۴	۱۳	۴	۲۱

با توجه به نسبت‌های فوق می‌توان این گونه نتیجه گرفت که مشاغل غیررسمی از نظر جذب افراد مناطق مختلف فراگیر هستند و ویژگی این مشاغل یعنی نیاز به سرمایه و هزینه اندک، عدم نیاز به تخصص و ورود آسان، عامل این فراگیری و عمومیت است. ضمن آنکه

بررسی بین مبدأ جغرافیایی شاغلین و نوع شغل رابطه معنی داری را نشان نمی‌دهد. از نظر نحوه مهاجرت بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۷۶ درصد شاغلین به طور مستقیم به تهران مهاجرت کرده‌اند و تنها حدود ۲۴ درصد ابتدا به شهرهای دیگر و سپس به تهران مهاجرت کرده‌اند. این بدان معناست که برای بخش عمده‌ای از مهاجرین که بصورت دائمی مهاجرت کرده‌اند تهران مقصد نهایی است. بررسی ارتباط با مبدأ مهاجرین نشان می‌دهد که ۷۱ درصد این افراد با مبدأ خود هیچگونه ارتباطی ندارند. همچنین حدود ۶۷ درصد شاغلین غیررسمی مهاجر شهر تهران را خوب یا بسیار خوب اعلام کرده‌اند که جایگاه شهرهای بزرگ را در ارتباط با مشاغل غیررسمی نشان می‌دهد.

از نظر اینکه آیا افراد شاغل در بخش غیررسمی به طور مستقل به این کار می‌پردازند یا دارای سازمان کاری دیگری هستند نتایج بررسی نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد این افراد به طور مستقل فعالیت می‌نمایند. حدود ۳۰ درصد نیز دارای کارفرما بوده‌اند که کارفرما بیشتر نقش تأمین‌کننده سرمایه داشته است. در ۳۵ درصد مواردی که کارفرما داشته‌اند، کارفرما یا تأمین‌کننده سرمایه از خویشاوندان درجه یک از جمله پدر یا برادر آنان بوده است. نکته جالب اینکه ۳۳ درصد نیز شهرداری و سازمان بازیافت را به عنوان کارفرما ذکر کرده‌اند و دلیل آن را نیز پرداخت بخشی از درآمد روزانه به شهرداری و اغلب به شکل حق و حساب ذکر کرده‌اند. این بررسی نشان می‌دهد که هیچگونه سازمان کاری مشخصی بر این مشاغل حاکم نیست و بیشتر به صورت فردی و خانوادگی انجام می‌گیرند که در هر دو مورد ویژگی مشاغل غیررسمی را منعکس می‌نمایند. در این بررسی موضوعات متعدد دیگری از جمله وضعیت مسکن، مکانیزم جابجایی و فعالیت در سطح شهر، مکان زندگی، وضعیت خانوادگی و... مورد توجه قرار گرفته که از حوصله این مقاله خارج است.

نتیجه‌گیری از بحث:

پدیده مشاغل غیررسمی به عنوان یک واقعیت، بخشی از سیستم اقتصادی و اجتماعی جوامع امروزی به ویژه جوامع شهری و صنعتی را تشکیل می‌دهد و در تمامی اقتصادهای در

حال توسعه تا پیشرفته با وجود مختلف در حال گسترش است. بنابراین باید به عنوان بخشی از واقعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه مورد توجه قرار گیرد. بخش غیر رسمی نه تنها یک پدیده منفی به حساب نمی‌آید بلکه یکی از پتانسیل‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه به شمار می‌آید. به ویژه در جوامع در حال رشد، بخش غیررسمی ضمن اینکه سهم قابل توجهی در تولید ناخالص داخلی دارد، نقش مهمی نیز در کاهش فشارهای ناشی از بحران‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و تخفیف اثرات آن دارد. چنانکه در زمانی که بحران بیکاری یکی از مسایل مهم جامعه به شمار می‌رود این بخش با کم‌ترین هزینه بخشی از نیروی کار را به خود جذب کرده است. با توجه به اینکه آمار مشخصی در این رابطه در کشور وجود ندارد، اگر متوسط شاغلین غیررسمی کشورهای جهان سوم را در نظر بگیریم این بخش حداقل حدود یک سوم نیروی کار را به خود جذب می‌نماید. در عین حال به این نکته باید توجه داشت که بخش غیررسمی ماهیتاً زمینه مناسبی برای پیدایش و بروز آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی است. هم از نظر نوع و ماهیت بخش غیررسمی و هم از نظر افرادی که جذب آن می‌شوند زمینه‌های آسیب‌زایی و آسیب‌پذیری اجتماعی بیشتر است.

بنابراین در جامعه ما و از جمله شهر بزرگ تهران به دلایل مختلف از جمله:

- ۱- رشد سریع جمعیت و ساختار جوان جمعیتی که عدم انطباق بین نیازها و امکانات در تمامی زمینه‌ها یکی از پیامدهای آن است.
- ۲- رشد سریع شهرنشینی و مهاجرت روستایی شهری به ویژه مهاجرت به شهرهای بزرگ.
- ۳- بحران بیکاری، افزایش تقاضای اشتغال و ناتوانی بخش غیررسمی در پاسخ به آن.
- ۴- ماهیت نیروی انسانی متقاضی کار که بیشتر شامل نیروی غیر ماهر و غیر متخصص می‌باشد.
- ۵- ویژگی بخش غیررسمی از جمله ورود آسان و جذب نیروی انسانی فاقد سرمایه و تخصص.
- ۶- توان بخش غیررسمی در ایجاد اشتغال در سطح گسترده با حداقل سرمایه و با بازده و درآمدزایی بالا.

- ۷- قابلیت بخش غیررسمی در تخفیف مشکلات اقتصادی و اجتماعی و کمک به حل بحران‌های اقتصادی و اجتماعی.
- ۸- هرگونه تأمین اجتماعی و امنیت شغلی در بخش غیررسمی که شاغلین در آن از آسیب پذیرترین اقشار جامعه تشکیل می‌شوند.
- ۹- ناپایداری و عدم امنیت شغلی و ارزش اجتماعی پایین این مشاغل که افراد را به روی آوردن به مشاغل غیر رسمی پر درآمدتر و فعالیت‌های خطرناک و آسیب‌زا می‌کشاند.
- ۱۰- بخش غیررسمی جزئی از سیستم اقتصادی و اجتماعی جامعه به حساب می‌آید و مکمل بخش رسمی است نه در مقابل آن.
- بنابراین شایسته استبخش غیررسمی بطور جدی مورد توجه قرار گیرد. در واقع استفاده از قابلیت‌های بخش غیررسمی و هدایت و کنترل آن نیازمند توجه و برنامه‌ریزی است. به ویژه در شهرهای بزرگ که بخش غیر رسمی از اهمیت بیشتری برخوردار است عدم توجه به این پدیده به معنای آنست که بخشی از جامعه و مسایل آن نادیده گرفته شده است. در شهری مانند تهران که تمامی شرایط و ویژگی‌های لازم برای پیدایش و گسترش مشاغل غیر رسمی وجود دارد عدم توجه به بخش غیر رسمی یا برخورد حذفی با آن به منزله نادیده گرفتن بخشی از واقعیت شهر است. طبیعی است که در شهر به عنوان یک سیستم واحد اجتماعی و اقتصادی نمی‌توان بخشی از اجزاء را نادیده گرفت. در غیر این صورت عدم تعادل در سیستم که به صورت بحران‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بروز می‌نماید و همراه با آسیب‌های جدی اجتماعی برای جامعه است اجتناب‌پذیر خواهد بود. نادیده گرفتن بخشی از واقعیت جامعه به معنای آن خواهد بود که از قابلیت‌های موجود محروم و در برابر خطرات و آسیب‌های احتمالی ناشی از آن بخش، جامعه بدون دفاع مانده است.

منابع:

- ۱- جمعه‌پور، محمود. بررسی مشاغل غیررسمی در شهر تهران؛ نمونه پل سیدخندان، تهران، ۱۳۷۹. (زیراکس)، دانشگاه علامه طباطبائی.

۲- صرامی، حسین. بررسی مشاغل غیررسمی و آسیب‌های اجتماعی آن، جهاد دانشگاهی، اصفهان، ۱۳۷۲.

3- United Nation Environment, *Poverty and the Environment*, Nairobi, Kenya, (1995); p.48

4- Colin, C. Williams and Windebank, *Informal Employment in the Advanced Economies*, Routledge, Publication, (1998); p.2.

5- Gilbert, A, *The Latin American City*, 2nd edition, Latin America Bureau, (1998); p.65.

6- Sethuraman, S,U. *The Urban Informal Sector in the Developing Countries*, Employment, Poverty and Environment, ILO, Geneva, (1984); p.17.

7- Hart, K. *Informal Income Opportunities and Employment in Ghana*, In R. Yolly, E. de Kadt, H. Singer and F. Wilson, Third World Employment, Harmondsworth, Penguin, (1978); p.66-70.

8- International Labour Office, *Employment, Incomes and Inequality: A Strategy for Increasing Productive Employment in Kenya*, Geneva, (ILO). (1972)

9- Robert, B. "Informal Economy and Family Strategies", *In International Journal of Urban and Regional Research*, No 18, (1994); p.6.

10- Chant, S. *Informal Sector Activity in the Third World*, Applied Geography, London, Routledge, (1999); p.509.

11- Gershuny, J and Jones, S "The Changing Work/ leisure Balance in Britain, 1961-1984", *Sociological Review Monography*, 33:1,(1987); p.9-50.

12- Gilbert, A. *Globalization, Employment and Poverty: The Case of Bogota, Colombia*, Seminar on Geography and Planning Research Series, London School of Economics, (1995).

13- International Labour Organization. *World Employment 1996/97: National Policies in Global Context*, Geneva, ILO. (1996); Tab 5.5.

14- Chant. S. "National Perspective on Third World Development", In R.Bennett and R. Estall, *Global Change and Challenge*, Geography for 1990s, London, Routledge, (1991); p.175-196.

15- European Commission. *Underground Economy and Irregular Forms of Employment*, Final Synthesis Report. Brussels, Office for Publication of the European Committees, (1990).

16- Dallago, B. *The Irregular Economy: The Underground and the Block Labour Market*, Aldershot, Dartmouth, (1991); tab. 2.1.